

تحلیل عملکرد شهرهای میانه‌اندام در توسعه اقتصادی استان آذربایجان شرقی

مجید اکبری

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه پیام نور رشت

akbari.majid@aol.com

نوبخت سبحانی

دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

مریم بیرانوندزاده

دانشجوی دکترا جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی

فاطمه سوری

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: 1393/12/16

تاریخ دریافت: 1393/9/17

چکیده

نقش شهرهای میانه‌اندام در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای چشمگیر است. این شهرها به عنوان مراکز آرایه خدمات به نقاط سکونتگاهی کوچک‌تر و مراکز توزیع کالاها و خدمات، نقش مهمی در روندهای اقتصادی بازی می‌کنند. هدف از این مقاله، بررسی نقش و کارکرد شهرهای میانی در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی است. روش تحقیق از نوع «توصیفی و تحلیلی» است که در آن از مدل‌های کمی و نرم افزار رایانه‌ای *Excel* استفاده شده است. استان آذربایجان شرقی دارای پنج شهر میانی (50-200 هزار نفر جمعیت) به نام‌های مراغه، مرند، میانه، اهر و بناب است که 21/46 درصد از جمعیت شهری استان را شامل می‌شوند. نتایج مدل‌های جمعیتی نشان می‌دهد که شهرهای میانی از انعطاف‌پذیری، جذب جمعیت و مهاجرپذیری برخوردار بوده است، و بدون در نظر گرفتن کارکرد جمعیتی آن در نظام شهری استان عدم تعادل بیشتر می‌شود. به لحاظ اقتصادی بخش کشاورزی در اکثر شهرهای میانی به عنوان بخش پایه‌ای و بخش‌های صنعت و خدمات به عنوان بخش غیرپایه‌ای است. این شهرها در نظام شهری استان به لحاظ جمعیتی و اقتصادی تأثیرات مثبتی داشته‌اند. آنچه که عملکرد این شهرها را در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای کم رنگ نموده است، وجود خلأ سکونتگاهی در نظام سلسله مراتبی شهری استان در گروه‌های جمعیت (250-500 هزار نفر) و (500 هزار الی 1 میلیون نفر) در سلسله مراتبی شهری و تمرکز شدید امکانات در کلانشهر تبریز بوده است.

واژگان کلیدی: شهرهای میانی، نظام شهری، توسعه منطقه‌ای، استان آذربایجان شرقی

مقدمه

در چند دهه اخیر شهرهای کوچک با سرعت زیادی گسترش یافته و به شهرهای بزرگ تبدیل شده‌اند. این تحول در مورد شهرهای کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه، حادث است. در این میان رشد شهرنشینی در دنیا و در همه شهرها به طور یکنواخت صورت نگرفته است، بلکه عمدتاً شامل شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها بوده است که در بعضی کشورها گاه تا 30 درصد جمعیت کشور در اینگونه شهرهای بزرگ متمرکز شده‌اند (نظریان، 115، 1383)، که این امر منجر به ناموزونی شبکه شهری در اینگونه کشورها شده است. اکثر کشورهای در حال توسعه، در سال‌های اخیر شاهد پیدایش کلان شهرها، گسیختگی و انفصال در شبکه شهری در سطح کلی سرزمین، توزیع نامتعادل امکانات و فرصت‌ها در پهنه مناطق، عدم توازن در نظام سکونتگاهی و غیره بوده‌اند. توجه برنامه‌ریزان شهری به چالش‌های پیش آمده منجر به اتخاذ راهبردهای متفاوتی در زمینه توزیع جمعیت در شهرنشینی گردید. یکی از مهمترین این راهبردها ایجاد شبکه‌ای سازمان‌یافته از شهرهای متوسط بود، شبکه‌ای که با دارا بودن قابلیت‌های خاص و آستانه‌های معینی از جمعیت، خدمات و تجهیزات، بتواند در بسط توسعه و توزیع هماهنگ رشد موثر باشد (راندنلی، 1983، 144). نقطه ثقل این نظریه بر مفهوم شهر میانی استوار است. راندنلی معتقد است که نقش شهرهای میانه‌اندام در توسعه یکپارچه ناحیه‌ای چشمگیر است. این شهرها به عنوان مراکز ارائه خدمات به نقاط سکونتگاهی کوچک‌تر و مراکز توزیع کالاها و خدمات، نقش مهمی در روندهای اقتصادی بازی می‌کنند (راندنلی، 1985، 43). یکی از مهم‌ترین معضلات کشورهای جهان سوم از جمله کشور ما، تمرکز بالای جمعیت و امکانات در شهرهای بزرگ و به وجود آمدن نظام نخست شهری و از بین رفتن نظام متعادل سلسله مراتبی شهری که این پدیده در نتیجه عدم تعادل در پخش امکانات و تسهیلات مختلف در پهنه سرزمینی و همچنین عدم توجه به توانمندی‌های شهرهای کوچک و میانی می‌باشد. بر این اساس، برای رفع این مشکلات، راهبردهای مختلفی مورد توجه قرار گرفته است که یکی از آنها، توجه و بها دادن به شهرهای میانه‌اندام در ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای و استفاده از آنها در توسعه مناطق کمتر توسعه یافته است.

استان آذربایجان شرقی هم در نیم قرن اخیر از این قاعده مستثنی نیست و رشد شتابان شهرنشینی و افزایش شهرها و جمعیت شهری آن سرعت بیشتری یافته است. شهر تبریز به علت جاذبه‌های فرهنگی، توریستی، تفریحی، موقعیت سوق‌الجیشی جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی و اجرای برنامه‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های دولتی در چند دهه اخیر جاذب جمعیت بوده و گسترش یافته است و موجب برهم خوردن تعادل منطقه‌ای شده است. شهر تبریز 58 درصد جمعیت شهری را در خود جای داده است که پیرو آن اقتصاد

منطقه‌ای نیز به منظور استفاده از صرفه جویی‌هایی مقیاس به سمت تمرکز فضایی بیشتر به سمت تبریز سیل می‌کند، بنابراین یکی از راهبردهای مهم در این استان توسعه شهرهای کوچک و میانی و هدایت جریان‌های مهاجرتی به این شهرهاست (اکبری، 1392، 6-5). چرا که عدم تعادل و توازن در اسکان جمعیت ناشی از جریان نامطلوب و غیر منطقی مهاجرت‌ها به شهرهای بزرگ است، در واقع شهرهای میانی و کوچک با زمینه‌سازی و فراهم آوردن شرایط مساعد، می‌توانند در برقراری یک نظام منظم و منطقی سلسله مراتبی در یک منطقه موفق باشند (عظیمی، 1381، 46). بر همین اساس در این تحقیق سعی شده، نقش و اهمیت شهرهای میانی استان آذربایجان شرقی در توسعه منطقه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری

ایده و موضوع مطالعه تاثیر کارکرد شهرهای میانی¹ و کوچک در سطح منطقه‌ای و محلی، شاید برای اولین بار با کار جانسون² (1970م) و بحث «مرکز توسعه روستایی» توسط فائل³ (1976م) آغاز و مطرح گردید (وی‌آور⁴، 1990، 125). فیلهو⁵ معتقد است که نقش و اهمیت شهرهای کوچک و میانی از دهه‌ی 1970 بیش‌تر مورد توجه قرار گرفت. انگیزه‌ی اصلی در مطالعه‌ی شهرهای میانی به شکل امروزی آن را در اروپای پس از جنگ باید یافت، هنگامی که نیاز به رویه‌ی جدیدی برای برنامه‌ریزی و آمایش سرزمین مطرح شد که هدف آن توزیع متوازن فعالیت‌ها، منابع ثروت و جمعیت در سطوح ملی و منطقه‌ای بود. برای تمرکززدایی و ایجاد نظام شهری متعادل‌تر، سیاست تقویت شهرهای میانی برای اولین بار در ششمین برنامه‌ی توسعه اجتماعی و اقتصادی فرانسه (75-1971) به منظور تمرکززدایی و ایجاد نظام متعادل‌تر مطرح گردید و در طول برنامه برای دهه‌ی هفتاد شهر به کار رفت.

راندینلی⁶ از پایه‌گذاران اصلی راهبرد شهرهای میانی، با همکاری رودل⁷ در سال 1987، بحث عمیق و گسترده‌ای را در این زمینه با تقریر کتاب «عملکردهای شهری در توسعه روستایی» فراهم آورد (راندینلی، 1987، 111)، در این کتاب ایجاد و تقویت شهرهای میانی و کوچک در پیوند عملکردی با حوزه‌هایی روستایی محور قرار گرفته تا تنوع بخشیدن به اقتصاد، صنعتی کردن، عرضه خدمات پشتیبانی و تجاری کردن

¹- mediate city.

²- Jonson

³- Fanel.

⁴- Weaver.

⁵- Filho.

⁶- Randinelli.

⁷- Ruddel.

کشاورزی و سرانجام سازماندهی و مدیریت توسعه را برآورده سازند. رودل نیز توسعه شهرهای میانی و کوچک را روش مناسبی برای توسعه فضایی و ایجاد رشد اقتصادی و تعادل اجتماعی می‌داند و معتقد است که باید سرمایه‌ها را از شهرهای بسیار بزرگ به سمت شهرهای کوچک و متوسط سوق داد (ضرابی، 1379، 109). آلنسو¹ نیز توسعه و تقویت شبکه‌ای از شهرهای متوسط را که از پیش قابلیت پذیرش جمعیت بیشتری از خود بروز داده‌اند، در تکمیل شبکه شهری، مناسب می‌داند (شکویی و باقری، 1375: 94). فریدمن² و داگلاس³ با نگرش فضایی، توسعه آگروپلین را پیشنهاد کردند و لازمه توسعه منطقه‌ای را همبستگی ما بین شهرها و روستاها، آشنا کردن مردم محلی به زندگی شهری دانسته‌اند (صرافی، 1379: 122). هاردوی و ساتردوایت در سال (1986) کتابی تحت عنوان «نقش شهرهای کوچک و متوسط در توسعه ملی و منطقه‌ای در جهان سوم» به رشته تحریر در آورده‌اند که نتایج آن به طور خلاصه به شرح زیر است:

- عدم تجانس شهرهای کوچک و متوسط با شهرهای بزرگ؛
 - کمبود شدید تحقیقات و منابع مطالعاتی در رابطه با مراکز کوچک شهری در جهان سوم؛
 - نقش مهم و کلیدی شهرهای کوچک و متوسط در کنترل اداری، سیاسیون نظامی منطقه؛
 - روابط قوی و عمیق بین کشاورزی و توسعه روستایی با توسعه مراکز کوچک شهری؛
 - تأثیر قدرتمند سیستم‌های جدید حمل و نقل بر توسعه مراکز شهری (زبردست، 1383: 4).
- کلاس کانزمن⁴ حمایت و تقویت شهرهای متوسط را کلید موفقیت خط‌مشی برنامه ریزی منطقه‌ای می‌داند. او می‌نویسد: "مرور نتایج برنامه‌های توسعه منطقه‌ای، نشان می‌دهد که بسیاری از اهداف تحقق نیافته‌اند دلایل شکست عبارتند از: وابستگی‌های بین‌المللی، مشکلات‌های مالی، تمرکز اقتصادی و کالبدی، کمبود نیروی انسانی کارآمد و متخصص و سرانجام فراموش کردن نیازهای اساسی و بی‌توجهی به روش‌های نامتمرکز" (کانزمن، 1364، 3).

در ایران نیز در ادامه روند تکاملی و تحول اجتماعی صدساله اخیر و در نتیجه سرعت گرفتن سرمایه‌داری در چهارچوب یک اقتصاد تک محصولی شاهد ایجاد یک شبکه ناموزون شهری بوده‌ایم که در آن شهرهای بزرگ با عدم پیوستگی کامل با شهرهای متوسط و کوچک، سطوح عالی اقتصادی اجتماعی، صنعتی و خدماتی

¹ - Alenso.

² - Friedman

³ - Douglass.

⁴ - Kanzmn.

را به خود اختصاص داده‌اند و شهرهای کوچک و متوسط از پتانسیل رشد کمتری برخوردار بوده و بصورت فضاهای پیرامونی و حاشیه‌ای درآمده‌اند.

ضرورت و اهمیت تحقیق

در طی سال‌های اخیر رشد سریع شهرهای بزرگ در کشورمان، منجر به ظهور مسائلی مانند کمبود واحدهای مسکونی، مشکلات اقتصادی، فقر، حاشیه‌نشینی و آلودگی زیست محیطی شده است. همین امر خود موجب نابرابری خدمات و امکانات در سطح ملی و منطقه‌ای شده است. بر همین اساس عدۀ زیادی از محققان عقیده دارند که بایستی برنامه‌ریزی‌های اساسی با تاکید بر پویایی شهرهای متوسط و کوچک تهیه شوند، چرا که با وجود امکانات و خدمات مشابه در شهرهای میانی از مهاجرت‌های بی‌رویه به کلانشهرها در سطح منطقه‌ای جلوگیری خواهد شد و مهاجران شهرهای درجه دو را برای زندگی خود انتخاب می‌کنند در واقع توسعه و تقویت شهرهای میانی سیاستی است که با اهداف تمرکززدایی انطباق دارد و در دراز مدت منجر به ایجاد شرایطی می‌گردد که توان فعالیت‌های تولیدی را در درون این کانون‌ها تقویت می‌کند (اکبری، 1392، 7).

راندینلی علت توجه هر چه بیشتر به شهرهای میانی در توسعه منطقه‌ای را در عوامل زیر می‌داند:

1. شهرهای میانی از مشکلاتی که مسکن، حمل و نقل، اشتغال و تامین خدمات شهری در بزرگ‌ترین شهرها ایجاد می‌کند، می‌کاهد.
2. شهرهای میانی از نابرابری‌های ناحیه‌ای می‌کاهند و گسترش امکانات و خدمات در شهرهای میانی نابرابری‌های موجود را کاهش می‌دهد.
3. شهرهای میانی تمرکز اداری را در شهرهای بزرگ کاهش می‌دهد و برای سرمایه‌گذاری‌های عمومی و خصوصی در شهرهای میانی و دیگر شهرها زمینه مساعدی ایجاد می‌کنند.
4. سرمایه‌گذاری در شهرهای میانی و کوچک برای بیکاران و مهاجران روستایی فرصت‌های اشتغال ایجاد می‌کند و در نتیجه باعث کاهش فقر می‌شود.
5. شهرهای میانی از طریق ایجاد امکانات و بازار برای تولیدات کشاورزی حوزه‌های روستایی با اقتصاد روستایی تحرک و پویایی می‌بخشد.

نقش شهرهای میانی در شبکه شهری ایران

یکی از خصیصه‌های برجسته شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، رشد روز افزون کلانشهرهاست (عظیمی، 1381:46). که نشان‌دهنده عمق بیماری ساخت‌های اجتماعی در کشورهاست (شکویی،

1383، 2). براساس گزارش سازمان ملل متحد که در سال 1980 منتشر شده 71 کشور یا 62 درصد از 114 کشور در حال توسعه بر این باور بودند که توزیع جمعیت آنها غیر قابل بوده، 24 کشور یا 20 درصد نیز، توزیع فضایی جمعیت کشورشان را تا حدی غیرقابل قبول اعلام کرده و نیازمند مداخله و سیاست‌گذاری دانسته‌اند (سرایبی و اسکندری ثانی، 1385: 165). در واقع در کشورهای در حال توسعه همیشه شهرهای بزرگ با جذب بیشتر جمعیت، مانع اصلی در راه توسعه اقتصادی - اجتماعی همه جانبه و یکپارچه بوده است. و در این میان شهرهای میانی و کوچک همیشه نقش حاشیه‌ای و بی‌اثر داشته‌اند.

در ایران هم با رشد شتابان شهرنشینی که از سال 1345 و با آغاز اصلاحات ارضی شروع شد و متعاقب آن تحولات و شکافهای عمیق اقتصادی و جمعیتی بین شهرهای بزرگ و شهرهای میانی و کوچک صورت گرفت در واقع، الگوی استقرار جمعیت و کانون‌های زیستی از نظام بهره‌گیری متناسب ظرفیت و استعدادهای موجود تبعیت نکرده و سیمای اسکان جمعیت، تصویر نامتعادلی را به دست می‌دهد، الگوی توزیع نامتوازن مراکز شهری، تاثیر بازدارنده‌ای بر روند توسعه شهری بر جای گذاشته است (فنی، 1382، 46). همان‌طور که بعد از تهران ملاحظه می‌شود، فضای ملی، پیرامون چند متروپل منطقه که خدمات تخصصی، اقتصادی و سیاسی را نسبت به شهرهای پایین‌تر از خود عرضه می‌دارند سازمان یافته است. و لذا شبکه شهرهای متوسط و کوچک با پیوستگی به مراتب بالای نظام شهری ایران روابط ارگانیکی خود را هنوز با جامعه روستایی و کشاورزی حفظ کرده و به صورت اقماری و حاشیه‌ای در نظام شبکه شهری ایران تجلی حاصل کرده‌اند (نظریان، 1383: 161).

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی است. نوع پژوهش کاربردی - نظری است. در این تحقیق ابتدا آمار پایه‌ای مورد نیاز از منابع اطلاعاتی همچون مرکز آمار ایران، لوح‌های فشرده آماری (سالنامه‌های آماری، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن و...) و پایان‌نامه‌ها و مقالات پژوهشی و ... به صورت مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی استخراج و سپس مورد محاسبه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت نوع تحلیل در این پژوهش کمی است و از روش‌ها و الگوهای آماری و اقتصادسنجی از قبیل مدل رتبه - اندازه¹ جهت بررسی جایگاه و رده بندی تعادلی یا عدم تعادلی استقرار شهرهای استان، مدل تعدیل یافته رتبه - اندازه شهری

¹ - The Rank- Size Rule.

به‌فروز، مدل ضریب آنتروپی¹ به منظور تحلیل ویژگی‌های توزیع فضایی جمعیت در شبکه شهری استان و از مدل ضریب کشش پذیری جهت بررسی میزان کشش‌پذیری جمعیتی در مقیاس منطقه‌ای و از مدل‌های اقتصادی ضریب مکانی² جهت مقایسه عملکرد اقتصادی شهر و استان و از مدل تغییر سهم³ برای بررسی تفاوت رشد بخش‌های اقتصادی شهر را با بخش‌هایی در سطح اقتصاد مرجع استفاده شده است (حکمت‌نیا و موسوی، 1390).

شهرهای میانی استان آذربایجان شرقی

امروزه تعریف جامعی از اندازه شهرها که بتواند در تقسیمات شهری کلیه شهرهای جهان صادق باشد، دشوار است. اما این اتفاق نظر وجود دارد که بسیاری از صاحب‌نظران معیار «اندازه نسبی جمعیت» را به عنوان عامل اصلی در تعیین اندازه شهر می‌دانند. اندازه جمعیتی شهرها و طبقه‌بندی آنها در کشورهای مختلف متفاوت است. در واقع می‌توان گفت هر کشوری با توجه به عوامل جغرافیایی و اندازه بزرگترین شهر و روشهای متفاوت برنامه‌ریزی خود به تعیین اندازه شهرها مبادرت می‌نمایند. مطالعات طرح آمایش سرزمین (مرحله اول) 1364 در تعیین اندازه شهرهای ایران، آنها را براساس عامل جمعیت به پنج طبقه به شرح زیر طبقه‌بندی نمود شهرهای کوچک (کمتر از 50 هزار نفر)، و شهرهای متوسط کوچک (50 تا 100 هزار نفر)، شهرهای متوسط بزرگ (100 تا 250 هزار نفر)، شهرهای بزرگ میانی (250 تا 500 هزار نفر) و شهرهای بزرگ و بسیار بزرگ (500 تا 2 میلیون نفر) (زنگی آبادی و همکاران، 1386، 51). بر این اساس این پژوهش شهرهای میانی شهرهایی هستند که 50 تا 250 هزار نفر جمعیت دارند. در استان آذربایجان شرقی رقم تعداد شهرها و جمعیت شهری در هر دوره رو به فزونی است. و تعداد شهرها از 30 شهر در سال 1365 به تعداد 59 شهر در سال 1390 رسیده است. با بررسی کلی روند رشد شهری استان از سال‌های (65-1390) براساس جمعیت شهری و تعداد شهرها مشاهده می‌شود که اکثر شهرهای استان جزو شهرهای با جمعیتی زیر 10 هزار نفر می‌باشند که حلقه رابط روستاها با سلسله مراتب بالاتر شبکه شهری هستند.

در این استان همانطور که جدول شماره 1 نشان می‌دهد شهرهای میانی بالای پنجاه هزار نفر استان در سال 65، 75، 85، 90 به ترتیب: 3، 4، 3، 3 شهر می‌باشد و شهرهای میانی بالای یکصد هزار نفر طی سال‌های 65 -

¹ - Entropy Index.

² - Location Quotient.

³ - Shift - Share Analysis.

1390 به ترتیب: 1، 1، 2، 2 شهر می‌باشد. بر همین اساس در سال 1390 شهرهای میانی بالای پنجاه هزار نفر استان شهرهای میانه، اهر و بناب و شهرهای میانی بالای یکصد هزار نفر استان مراغه و مرند هستند که مجموع جمعیت آنها کمتر از 270 هزار نفر است. نکته قابل توجه در مقایسه کلی پراکندگی شهرها در طبقات جمعیتی، حاکی از کمبود جمعیت در سطوح 250-500 هزار نفری مثل دوره های قبل در سلسله مراتب شهری از نظر میزان جمعیت و تعداد شهرها است (اکبری، 1392، 85).

جدول شماره 1- تحولات شهرهای میانی استان آذربایجان شرقی در سالهای (1390-65)

سال	تعداد شهرهای میانی	تعداد جمعیت	درصد جمعیت شهرهای میانی	درصد شهرهای میانی	اسامی شهرها
1365	4	302222	17.76	7.5	مراغه - مرند - میانه - اهر
1375	5	448134	21.70	7.8	مراغه - مرند - میانه - اهر - بناب
1385	5	517936	21.37	11.4	مراغه - مرند - میانه - اهر - بناب
1390	5	554605	21.46	11.8	مراغه - مرند - میانه - اهر - بناب

منبع: مرکز آمار، نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های 1390-65



شکل شماره 1- توزیع فضایی شهرهای میانی در استان آذربایجان شرقی طی سال‌های (1390-65)

ارزیابی عملکرد جمعیتی شهرهای میانی استان

- مدل قانون رتبه - اندازه

اولین تجزیه و تحلیل جغرافیایی توزیع اندازه شهرها در نظام‌های شهری به اوایل قرن بیستم بر می‌گردد. فیلیکس اوئرباخ¹، جغرافی‌دان آلمانی در سال 1913 قانون مرتبه - اندازه شهری را ارائه داد که بین اندازه شهرها و رتبه آنها رابطه معکوس وجود دارد. بعدها توسط کسانی همچون لوتکا²(1924)، گودریچ³(1926) و سینگر⁴(1936) مورد استفاده قرار گرفت. بالاخره در سال 1949 این نوع بررسی در شهرها توسط جرج زیپف⁵ به صورت کامل فرمول‌بندی و مورد عمل و بررسی واقع گردید زیپف بیان می‌کند که مراجعه به دیدگاه نظری مدل رتبه - اندازه، این گونه تشریح می‌شود که در یک شبکه شهری متعادل و همگن همه گروه‌های شهری از جمله شهرهای کوچک، از رتبه و جایگاه متناسب با جمعیت خود در میان سایر شهرهای منطقه برخوردارند.

زیپف معتقد بود وجود همبستگی بین جمعیت شهرها و مرتبه آنها به صورت خط مستقیم با همبستگی خطی مطرح است. بنابراین هر اندازه سیستم شهری یک کشور توسعه پیدا کند به توزیع نرمال نزدیک‌تر است. رابطه ریاضی چنین مفهومی را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد:

$$Pr = \frac{P_r}{R^b}$$

Pr: جمعیت شهر در مرتبه مورد نظر یا جمعیت شهر **R**ام،

R: مرتبه شهر در منطقه،

b: شیب خط مرتبه - اندازه.

براساس مدل رتبه - اندازه شهری، شهرهای استان آذربایجان شرقی را در 1390 یک بار با احتساب شهرهای میانی و بار دیگر بدون احتساب شهرهای میانی مورد بررسی قرار می‌دهیم، که جایگاه و رده‌بندی تعادلی یا عدم تعادلی استقرار آنها مشخص شود. اگر شهرهای استان براساس جمعیت به ترتیب منظم شوند در آن

¹ - Felix-Auerbach.

² - Lotka.

³ - Goodrich.

⁴ - Singer

⁵ - G-K-Zipf.

صورت شهر دوم استان باید یک دوم جمعیت شهر اول و جمعیت شهر سوم یک سوم جمعیت شهر اول و الی آخر باشد.

در سطح استان آذربایجان شرقی بررسی‌ها نشان می‌دهد که جمعیت شهر اول استان در سال 1390، (9/2) برابر جمعیت شهر دوم، (12) برابر جمعیت شهر سوم، (15/7) برابر جمعیت شهر چهارم، (16/1) برابر جمعیت شهر پنجم و (1181) برابر آخرین جمعیت استان می‌باشد. در این بخش روند تغییرات نخست شهری استان آذربایجان شرقی از سال‌های (65-1390) نسبت به شهرهای مورد بررسی قرار گرفت. همانطور که می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بیشترین میزان شاخص نخست شهر مربوط به سال 1365، که شهر نخست 9.5 برابر شهر دوم استان است. از این سال مورد نظر این روند سیر نزولی داشته ولی از سال 1385 می‌توان دید که این میزان دوباره روند افزایشی پیدا کرده و به (9.3) برابر شهر دوم استان رسیده است. که این روندها حاکی از تشدید پدیده ماکروسفالی است. در طول 50 سال گذشته، این ویژگی فوق برتری در استان تشدید شده و یا در ارقام ثابت مانده است. اگرچه جمعیت شهرهای استان طی این سال‌ها افزایش یافته است، ولی شکاف سلسله مراتب بین کلانشهر تبریز و دیگر شهرها به شدت افزایش را نشان می‌دهد. براساس مدل -رتبه اندازه شهری با احتساب شهرهای میانی شیب خط در سال 1365 برابر 1.36- بوده که در سال 1375 به 1.43-، در سال 1385 برابر با 1.44- و در سال 1390 به 1.47- افزایش یافته است و زاویه شکست با شهر اول بیشتر شده است.

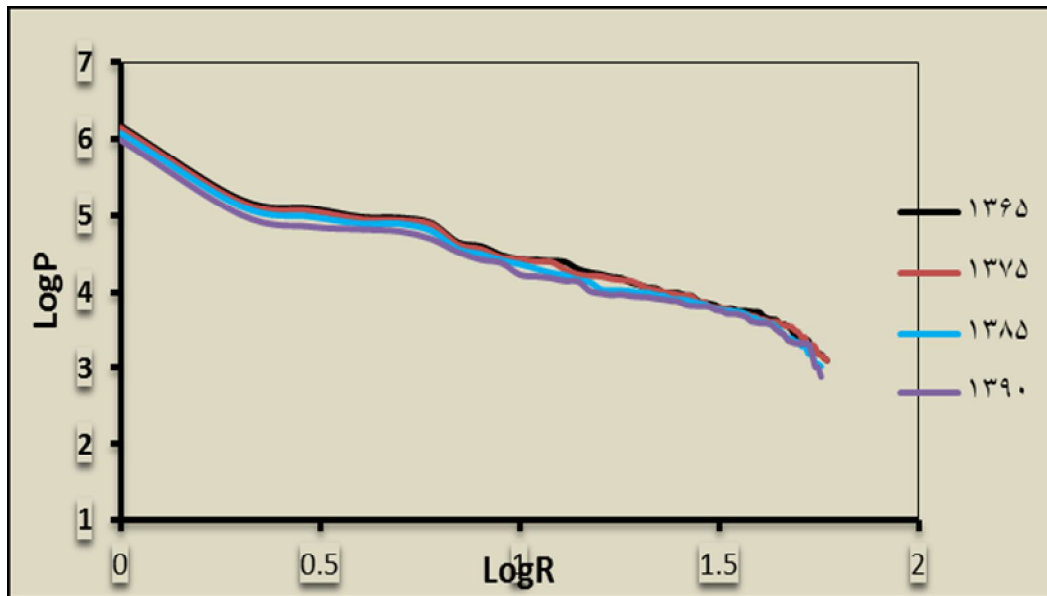
به منظور مطالعه روند تاثیرات شهرهای میانی در نظام شهری استان، این وضعیت بدون احتساب شهرهای میانی محاسبه گردید. به طوری که شیب خط طی سال‌های 65، 75، 85 و 90 به ترتیب (1.18-، 1.19-، 1.21-، 1.24-) بوده است. نتایج بیانگر تاثیرات نه چندان زیاد شهرهای میانی در تعادل فضایی و توزیع منظم سلسله مراتبی شهری است؛ آنچه که کاملاً آشکار است، افزایش عدم تعادل طی سال‌های 65 تا 90 است. که افزایش شیب خط آن را نشان می‌دهد. با اینکه شهرهای میانی بناب به لحاظ قرارگیری در محورهای عمده ارتباطی به کانون صنعتی و اقتصادی تبدیل شده است و در انبساط با تمرکز زدایی صنایع و کارخانجات از کلانشهر تبریز تا حدودی نقش خوبی را ایفا نموده است، باز هم شهر تبریز تحت شرایط خاصی و موقعیت جغرافیایی مناسب و تمرکز نهادها و ادارات تفوق و برتری خود را در نظام شهری استان حفظ نموده است (جدول 3).

جدول شماره 3- معادله خط توزیع لگاریتمی رتبه- اندازه شهرها بر نظام شهری استان طی سال‌های 1390-65

سال	توضیح	1365	1375	1385	1390
	با احتساب شهرهای میانی	$y = -1.364x + 5.700$	$y = -1.433x + 5.836$	$y = -1.443x + 5.916$	$y = -1.470x + 5.836$
	بدون احتساب شهرهای میانی	$y = -1.184x + 5.346$	$y = -1.190x + 5.364$	$y = -1.207x + 5.455$	$y = -1.235x + 5.505$

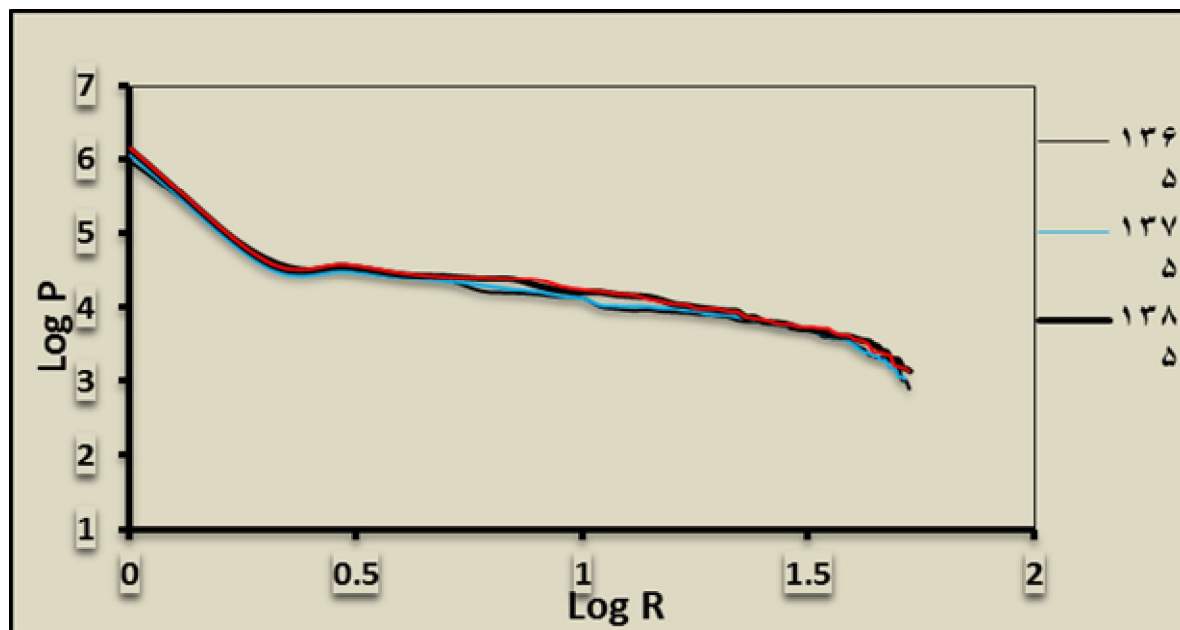
منبع: یافته‌های پژوهش

مقدار ضریب خط یا شیب خط رتبه- اندازه با خط تعادل برای سال‌های 65-1390 به ترتیب برابر با (-1.41)، (-1.43)، (-1.44)، (-1.47) بوده است. یعنی عدم تعادل در شیب خط رگرسیون در نظام و شبکه شهری استان آذربایجان شرقی برقرار بوده است که اعداد بدست آمده نشان‌دهنده تسلط نخست شهر بر شبکه شهری استان است. و به عبارتی دیگر فقدان مراکز شهری 500-250 هزار نفر و 1000-500 هزار نفر، بین نخست شهر و شهرهای موجود در استان، بر شدت عدم تعادل افزوده است (شکل شماره 2).



شکل شماره 2- نمودار توزیع لگاریتمی اندازه- رتبه شهرهای استان با احتساب شهرهای میانی

مقدار ضریب خط یا شیب خط رتبه - اندازه با بدون احتساب شهرهای میانی برای سالهای 65-1390 به ترتیب برابر با (-1.42) ، (-1.38) ، (-1.30) ، (-1.42) بوده است. در مقایسه با جدول توزیع لگاریتمی با احتساب شهرهای میانی مشاهده می شود که این عدم تعادل در شیب خط رگرسیون بدون شهرهای میانی باز هم پا برجاست، و می توان نتیجه گیری کرد که نقش شهرهای میانی در تعادل این شیب خیلی کم است، و این عدم تعادل در حد واسط شهر نخست و شهرهای دوم و سوم و خیلی بیشتر بوده و آن هم به دلیل نبود شهرهای حد واسط (250-500) هزار نفر و (500-1000000) نفر در نظام شبکه شهری استان می باشد (شکل شماره 3).



شکل شماره 3- نمودار توزیع لگاریتمی اندازه - رتبه شهرهای استان بدون احتساب شهرهای میانی

مدل تعدیل یافته رتبه - اندازه بهفروز

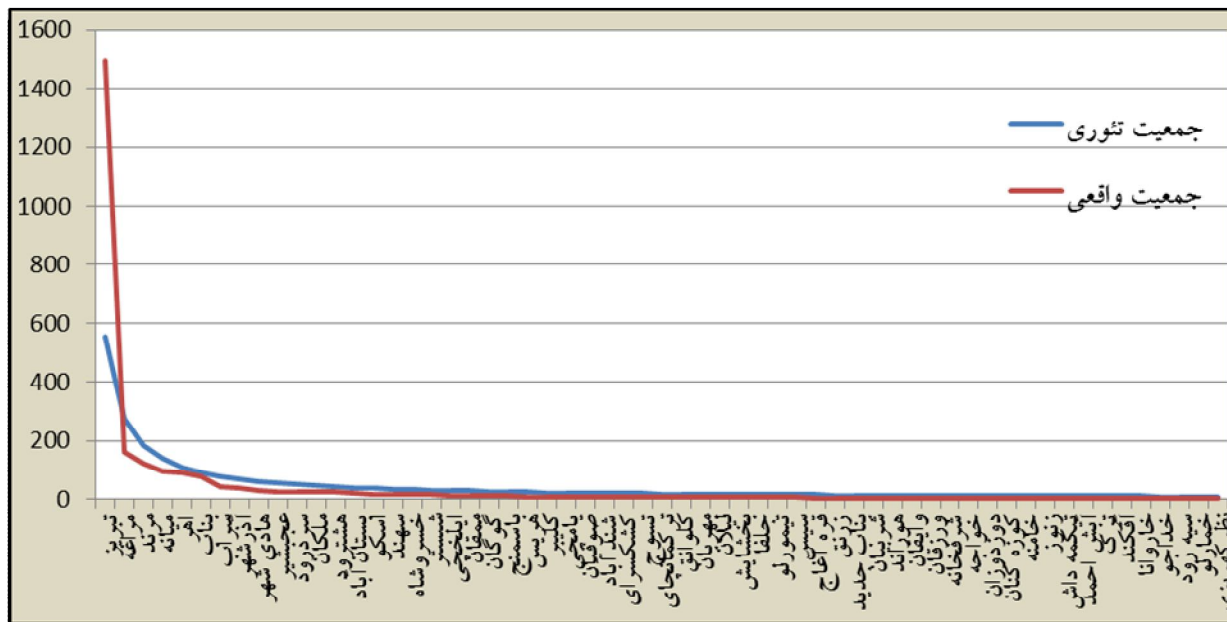
برای رسیدن به یک سیستم سلسله مراتبی متعادل در پهنه نظام شهری استان به استفاده از مدل تعدیل شده مرتبه اندازه شهری بهفروز مبادرت شده که نیل به این اهداف نیازمند به کارگیری راهبردها و استراتژیهای بلند مدت منطقه ای و تمرکززدایی شدید از شهر تبریز است. نتایج این مدل نشان می دهد که شهر تبریز 941907 نفر اضافه جمعیت و شهر دوم مراغه، مرند، میانه، اهر و بناب به ترتیب حدود 114271-، -60041، -42768، -18010، -12288 نفر کمبود جمعیت دارند تا در یک سلسله مراتبی منطقه قرار

گیرند. در همه دوره‌های سرشماری شهرهای میانی از نظر جمعیت رشد متعادلی نداشته و از جمعیت مطلوب خود فاصله زیادی دارند و این شهرها در سال 1390 در ارتباط با تئوری مرتبه - اندازه بهفروز کمبود جمعیت دارند (جدول 4).

جدول شماره 4- جمعیت شهرهای میانی استان براساس مدل تعدیل یافته رتبه - اندازه بهفروز طی سالهای 65-1390

مدل تعدیل یافته رتبه - اندازه بهفروز			سال	
کمبود جمعیت	جمعیت تئوری	جمعیت واقعی		
- 81138	183862	102724	1365	مراغه
- 90840	223158	132318	1375	
- 109965	259894	149929	1385	
- 114271	276546	162275	1390	
- 51181	122575	71394	1365	مرند
- 90840	148772	96396	1375	
- 58422	173263	114841	1385	
- 60041	184364	124323	1390	
- 25972	91931	65959	1365	میانه
- 33475	111579	78104	1375	
- 40151	129947	89796	1385	
- 42768	138273	95505	1390	
- 11400	73545	62145	1365	اهر
- 33475	89263	78076	1375	
- 17197	103958	86760	1385	
- 18010	110618	92608	1390	
- 11517	61287	49770	1365	بناب
- 11146	74386	63240	1375	
- 10021	86631	76610	1385	
- 12288	92182	79894	1390	

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل شماره 4- نمودار جمعیت مراکز شهری استان بر مبنای مدل تعدیل یافته رتبه - اندازه با احتساب شهرهای میانی در سال 1390

مدل ضریب آنتروپی

این مدل معیاری برای سنجش یکنواخت بودن متغیر مورد نظر (مثلاً توزیع جمعیت) در شهرهای یک منطقه است. به این ترتیب که با کاربرد این مدل می توان به میزان تعادل فضایی استقرار جمعیت در سطح شبکه شهری، منطقه ای و ملی پی برد. فرمول ضریب آنتروپی به شکل زیر است.

$$H = -(\sum P_i \ln P_i)$$

$$H = \text{آنتروپی مطلق}$$

$$P_i = \text{فراوانی}$$

$$\ln P_i = \text{لگاریتم نپری فراوانی}$$

$$G = \frac{H}{\ln K}$$

$$\ln K = \text{لگاریتم نپری میزان طبقات (تعداد شهرها)}$$

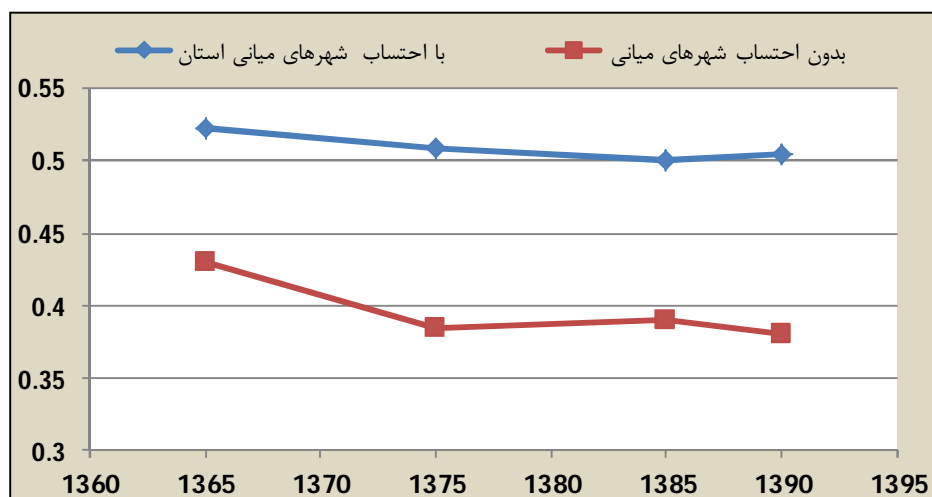
$$G = \text{ضریب آنتروپی نسبی}$$

مطابق تئوری مدل، وقتی آنتروپی به طرف صفر میل کند از تمرکز بیشتر و یا افزایش تمرکز یا عدم تعادل در توزیع جمعیت بین شهرها حکایت دارد و حرکت به طرف یک و بالاتر از آن توزیع متعادل‌تری را در عرصه منطقه‌ای نشان می‌دهد. این شاخص همچنین به منظور تعیین تاثیرهای جمعیت شهرهای میانی و کوچک در یک کشور یا منطقه جهت تعادل فضایی به کار گرفته می‌شود.

نتایج مدل ضریب آنتروپی در استان آذربایجان شرقی بیانگر این است که ضریب آنتروپی با در نظر گرفتن تمام شهرهای استان برای سال‌های 65-1390 عدم تعادل در شبکه شهری استان نمایان می‌سازد، برای ارزیابی دقیق‌تر تاثیرات شهرهای میانی نیز در پراکنش جمعیت در استان، این کار یک‌بار با احتساب و یک بار بدون احتساب آنها بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد در صورتی که کارکرد جمعیتی شهرهای میانی نادیده گرفته شود، استان آذربایجان شرقی در هر چهار دوره زمانی، یعنی از سال‌های 65، 75، 85، 90 از تعادل و توازن جمعیت در کانون‌های شهری خود دور می‌شود. حال آنکه این ضریب بدون احتساب شهر بناب برای تمامی سال‌ها کمتر شده و عدم تعادل بیشتر را در نظام شهری استان آشکار می‌سازد (جدول 5).

جدول شماره 5- میزان آنتروپی در استان آذربایجان شرقی با احتساب و بدون احتساب شهرهای میانی 65-1390

سال	1365	1375	1385	1390
با احتساب شهرهای استان	0.523	0.509	0.500	0.505
بدون احتساب شهرهای میانی	0.430	0.385	0.390	0.381



شکل شماره 5- نمودار میزان آنتروپی استان آذربایجان شرقی با احتساب و بدون احتساب شهرهای میانی سال‌های 65-1390

مدل ضریب کشش پذیری

این مدل شاخصی است که بوسیله آن می‌توان درصد جمعیت شهر نشین را در مقابل جمعیت کل برآورد نمود. یعنی در مقابل هر یک درصد افزایش جمعیت کل (کشور، استان، شهرستان) در دوره زمانی مشخص، جمعیت شهرنشین (در شهر مورد نظر) چه میزان افزایش یا کاهش دارد. هنگامی که ضریب کشش‌پذیری جمعیت شهرهای مورد مطالعه بر ضریب منطقه یا استان پیشی بگیرد، می‌تواند دلیلی بر وجود روندهای ضد تمرکز در سطح منطقه و رشد تدریجی شهرهای میانه‌اندام و کوچک باشد. همچنین از طریق این شاخص می‌توان گرایش‌های موجود در فضای منطقه و میزان کشش‌پذیری جمعیتی آن را محاسبه و در مقیاس منطقه‌ای با سایر کانون‌های جمعیتی مقایسه نمود. فرمول این ضریب به شرح زیر است:

$$E(t, t + 10) = \frac{Y_u(t, t + 10)}{r(t, t + 10)}$$

E برابر است با ضریب کشش‌پذیری در فاصله زمانی $(t, t + 10)$.

Y_u : نرخ رشد سالانه جمعیت شهری،

r : نرخ رشد سالانه جمعیت کل.

از طریق مدل ضریب کشش‌پذیری میزان انعطاف‌پذیری و توان جذب جمعیتی نقاط شهری استان و شهرهای میانی نسبت به استان بررسی شد و نتایج حاصله نشان می‌دهد. طی سال‌های 65-1390 در یک حالت کلی ضریب کشش‌پذیری در بین شهرهای میانی استان فقط شهرهای مرند، بناب و مراغه بالای یک می‌باشد و این شهرها بیشترین میزان انعطاف‌پذیری، جذب جمعیت و مهاجرپذیری را در استان آذربایجان شرقی طی این سال‌ها به خود اختصاص داده‌اند. دلیل عمده این مساله نیز تبعیت از ادامه روند شهری شدن کاهش جمعیت بعضی از روستاهای شهرستان و گسترش فعالیت‌های خدماتی ناشی از ورود سرمایه در این بخش است. (جدول 6).

جدول شماره 6- مقایسه نرخ رشد جمعیت شهری و ضریب کشش‌پذیری شهرهای میانی استان آذربایجان شرقی طی سال‌های 1365-1390

ضریب کشش‌پذیری				نرخ رشد جمعیت شهری				سال و نرخ رشد
90-65	90-85	85-75	75-65	90-65	90-85	85-75	75-65	شهر
1/05	1/27	0/73	1/31	1/8	1/58	1/26	2/56	مراغه
1/29	1/28	1/02	1/56	2.2	1/59	1/77	3/05	مرند
0/88	0/99	0/81	0/87	1/5	1/23	1/40	1/70	میانه
0/94	1/04	0/61	1/18	1/6	1/30	1/06	2/31	اهر
1/11	0/67	1/13	1/24	1/9	0/84	1/94	2/42	بناب

منبع: مرکز آمار ایران سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های 65 الی 1390.

ارزیابی کارکرد اقتصادی شهرهای میانی استان

در این بخش، با استفاده از مدل‌های ضریب مکانی، مدل طولی - عرضی ایزارد و مدل تغییر سهم به ارزیابی کارکرد اقتصادی شهرهای میانی با تاکید بر شهر مراغه می‌پردازیم.

مدل ضریب مکانی

ضریب مکانی یکی از روش‌های تحلیل منطقه‌ای و بررسی چگونگی ارتباط آن با دیگر مناطق است. در زیر نمودار ساده‌ای از نظریه اقتصاد پایه ارائه شده است که به نحوی بیانگر روند تاثیر فعالیت پایه در ساختار کلی اقتصاد شهر یا منطقه است.

ساختار کلی مدل به شرح ذیل است:

$$L.Q = \frac{\frac{TNi}{CNI}}{\frac{TNa}{CNa}}$$

$L.Q$: ضریب مکانی،

TNi : تعداد نیروی کار موجود در بخش i در شهر،

TNa : تعداد کل نیروی کار موجود در شهر،

CNi : تعداد نیروی کار موجود در بخش i در کل کشور،

CNa : تعداد کل نیروی کار موجود در کل کشور.

اگر $L.Q > 1$ باشد، شهر صادر کننده آن کالا و خدمات است و آن بخش جزء فعالیت‌های پایه‌ای است. اگر

$L.Q < 1$ باشد، شهر وارد کننده است و آن بخش جزء فعالیت‌های غیر پایه‌ای است. اگر $L.Q = 1$ باشد، شهر

خودکفا است (حکمت نیا و موسوی، 1390: 63). در مدل ضریب مکانی، که پایه‌ای یا غیر پایه‌ای بودن بخش‌های اقتصادی شهر مشخص می‌شود، عدد بالاتر از یک نشان‌دهنده شرایط پایه‌ای فعالیت اقتصادی و توان صادراتی شهر در سطح استان است. و عدد کمتر از یک نشانگر شرایط غیر پایه‌ای بخش اقتصادی و عدد برابر با یک، نشانگر خودکفائی شهر در آن فعالیت اقتصادی است. در زمینه فعالیت‌های کشاورزی در شهرهای میانی استان بیشتر از یک بوده و دارای شرایط پایه‌ای می‌باشند و میزان این ضریب نسبت به سال 90 نسبت به 85 تا حدودی کاهش داشته و در بخش صنعت همه شهرهای میانی کمتر از یک بوده و میزان این ضریب بجز شهرهای مراغه، اهر و بناب در بقیه شهرهای میانی شهرها نسبت به سال 85 کاهش داشته و در بخش خدمات بجز شهر بناب که دارای شرایط پایه‌ای و صادر کننده خدمات به حوزه نفوذ خود در این بخش بوده است، درصد ضریب مکانی دیگر شهرهای میانی نسبت به سال 85 کاهش داشته و کمتر از یک می‌باشند. و این نشانگر این بوده که توزیع نامناسب امکانات و خدمات در بین شهرهای استان و تمرکز آن در مرکز استان، و گرایش هر چه بیشتر مردم به شهرنشینی و استفاده از منابع و امکانات موجود در شهرهای بزرگ است. (جدول 7).

جدول شماره 7- مقایسه تغییرات ضریب مکانی یا اقتصاد پایه شهرهای میانی استان آذربایجان شرقی طی سالهای 85-1390

شهر	1385			1390		
	کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	صنعت	خدمات
مراغه	1/38	0/81	0/98	1/31	0/86	0/96
مرند	1/11	0/98	0/96	1/24	0/91	0/95
میانه	1/46	0/72	1/02	1/66	0/64	0/96
اهر	1/48	0/89	0/86	1/48	0/97	0/80
بناب	1/34	0/76	1/04	1/30	0/77	1/03

منبع: یافته‌های پژوهش.

مدل تغییر سهم

روش تغییر سهم، تفاوت رشد بخش‌های اقتصادی شهر را با رشد بخش‌هایی در سطح اقتصاد مرجع بررسی می‌کند این تفاوت ممکن است مثبت یا منفی باشد، بیانگر تغییر مکان یا جابه‌جایی سهم اقتصاد شهر در اقتصاد مرجع است. این مدل، مقیاس مرجع به کشور اطلاق می‌شود که شهرستان یا استان نسبت به آن سنجیده می‌شود (حکمت نیا و موسوی، 1390: 63).

شکل کلی مدل به شرح زیر است:

$$A = \frac{E_{R}^{75}}{E_{R}^{65}} - 1$$

عنصر A تغییرات اشتغال در اقتصاد مرجع (کشور) را طی (65 و 75) نشان می‌دهد.

$$B = \frac{E_{i}^{75}}{E_{i}^{65}} - \frac{E_{R}^{75}}{E_{R}^{65}}$$

E_i : مبین اشتغال در بخش i در اقتصاد مرجع (کشور) است.

عنصر B رشد یا نزول نسبی هر بخش اقتصاد را در کل اقتصاد مرجع (مرجع) اندازه‌گیری می‌کند. مثبت یا منفی بودن این شاخص به معنای صعود یا نزول آن بخش در اقتصاد کشور است.

$$C = \frac{E_{Li}^{75}}{E_{Li}^{65}} - \frac{E_{Ri}^{75}}{E_{Ri}^{65}}$$

در سطح شهرستان یا استان i : اشتغال بخش ELi

ERi : اشتغال بخش i در سطح کشور.

عنصر C موقعیت رقابتی هر بخش اقتصادی استان را در مقایسه با اقتصاد کشور اندازه‌گیری می‌کند که ممکن است مثبت یا منفی باشد.

مجموع نتایج حاصل از فرمول مذکور بیانگر تغییرات اشتغال در هر بخش اقتصادی سطح مورد مطالعه است.

$$= A+B+C75-65ELi$$

در تحلیل روند ساختار اقتصادی شهر مراغه و دیگر شهرهای میانی استان نسبت به نقاط شهری آن طی سال-های 85-1390، اقتصاد شهری استان ضریب منفی 0.0241- و در نتیجه روند نزولی داشته است. بررسی تفصیلی تفکیکی بخش‌ها نشان می‌دهد که بخش کشاورزی در دهه‌های مذکور، عملکرد این بخش در شهر مراغه دارای روند نزولی و در شهرهای میانی استان روند صعودی داشته و ضریب مثبت 0.0354 را دارا بوده است. بخش صنعت در سطح استان، روند نزولی داشته و ضریب آن منفی 0.0674- می‌باشد. عملکرد این بخش در شهرهای مرند و میانه روند نزولی داشته و بقیه شهرهای میانی از جمله شهر مراغه دارای روند

صعودی است. بخش خدمات در سطح استان و در تمام شهرهای میانی دارای روند صعودی داشته و ضریب آن مثبت 0.0369 می باشد، عملکرد این بخش برای همه شهرهای میانی مثبت است (جدول 8). نابرابری و فقدان تعادل در توزیع بهینه امکانات و همچنین تمرکز امکانات و خدمات در تک شهر مسلط استان (شهر تبریز) و مرکزیت اداری - سیاسی شهر یزد، نقش شهرهای میانی را در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای استان کم رنگ نموده است. توزیع مناسب جغرافیایی شهرهای میانی استان، از جمله مراغه و بناب در جنوب غرب استان، مرند در شمال غرب استان، میانه در جنوب شرق استان و اهر در شمال شرق استان فرصت مناسبی را برای ایجاد تعادل منطقه‌ای در سطح استان فراهم آورده است. بنابراین، آنچه مسولان استانی در برنامه‌ها و سیاست های منطقه‌ای باید به کار گیرند، تقویت این شهرها و تزریق سرمایه به آنها برای کاهش مهاجرت به شهر تبریز است که می تواند نقش این شهرها را در توسعه منطقه‌ای مضاعف نماید.

جدول شماره 9-مقایسه تغییرات سهمی شهرهای میانی در ساختار اقتصادی استان آذربایجان شرقی در ساختار اقتصادی استان طی سالهای 65-

1390

موقعیت اقتصادی هر بخش در اقتصاد استان					تغییرات اشتغال در بخش اقتصاد استان	تغییرات اشتغال در اقتصاد استان	گروههای عمده فعالیت
بناب	اهر	میانه	مرند	مراغه			
0.0143	0.185	0.211	0.184	-0.0728	0.0354	-0.0241	کشاورزی
0.0471	0.247	-0.060	-0.026	0.030	-0.0674	-0.0241	صنعت
0.0420	0.925	0.0015	0.0422	-0.036	0.0369	-0.0241	خدمات

منبع: یافته‌های پژوهش.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همان‌طوری که بیان شده، هدف این پژوهش بررسی کارکرد شهرهای میانی در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی است. بنابر محاسبات انجام شده و با بررسی جداول، وضعیت و شرایط جمعیتی مشخص شد که شهر مراغه در بین شهرهای میانی دیگر استان بعد از شهرهای مرند و بناب به علت موقعیت مناسب جغرافیایی و ارتباطی بیشترین ضریب کشش‌پذیری و جذب جمعیت را دارا بوده است. نتایج حاصل از ضریب آنتروپی نشان می‌دهد که اگر کارکردهای جمعیتی شهرهای میانی نادیده گرفته شود، استان آذربایجان-

شرقی در هر چهار دوره 65، 75، 85، 90 از تعادل و توازن جمعیت در کانون‌های شهری دور می‌شود که نتایج حاصل از مدل توزیع لگاریتمی رتبه - اندازه شهری همین موضوع را تایید می‌کند؛ به طوری که شیب خط رتبه - اندازه شهری در سال 1390 با احتساب شهرهای میانی به ترتیب از 1.47- و با بدون احتساب شهرهای میانی به 1.42- افزایش می‌یابد. به لحاظ کارکرد اقتصادی، نقش غالب شهرهای میانی استان کشاورزی و خدمات بوده است. تحلیل روند ساختار اقتصادی شهرهای میانی استان بیانگر آن است که بخش کشاورزی در دهه‌های مذکور، هم در سطح استان و هم در شهرهای میانی بجز شهر مراغه روند صعودی داشته است. بخش صنعت در استان و در شهرهای مرند و میانه، روند نزولی داشته و در دیگر شهرها از جمله شهر مراغه دارای روند صعودی داشته است. بخش خدمات هم در سطح استان و هم در شهرهای میانی دارای روند صعودی داشته است. شهرهای میانی در نظام شهری استان به لحاظ جمعیتی و کارکردی تاثیرات مثبتی داشته است و آنچه که کارکرد این شهرها را تا حدودی کم رنگ نموده است تمرکز امکانات و خدمات و کارخانجات در تک شهر مسلط استان (شهر تبریز) بوده است. رشد بی‌رویه شهر تبریز که نتیجه عملکرد و سیاست‌گذاری دولتمردان در طول سالیان گذشته است، موجب گسیختگی سازمان فضایی و پیوند عملکردی بین کانونهای شهرهای استان شده است؛ به طوری که فاصله زیاد شهر تبریز با شهرهای میانی موجب شده که هیچ شهری در طبقه جمعیتی 250-500 هزار نفر جمعیت و 500 هزار-1 میلیون نفر جمعیت شکل نگیرد. وجود این خلاء سلسله مراتب سکونتگاهی از مهمترین عوامل ایجاد عدم تعادل و توازن در نظام شهری استان است. غلبه بر این نابرابری و مشکلات و رسیدن به توسعه متعادل منطقه‌ای، جز با اعمال یک نگرش سیستمی و فضایی در طراحی و تدوین برنامه‌های توسعه قابل حل نیست. برنامه‌ریزی براساس این نگرش باید به گونه‌ای باشد که توسعه را در کل فضای جغرافیایی استان پخش کند و ناهمگونی فضایی و عدم تعادل در سلسله مراتب شهری را از بین ببرد. برای اصلاح این ساختار فضایی، علاوه بر تمرکززدایی از شهر تبریز، تزریق امکانات و سرمایه به سوی شهرهای میانی و هدایت آنها به طرف شهرهای میانی بزرگ بهترین گزینه است؛ زیرا قرارگیری شهرهای میانی در موقعیت مناسب جغرافیایی این فرصت را فراهم آورده است که با تقویت هر یک از شهرهای میانی می‌توان خلاء سلسله مراتب سکونتگاهی را در نظام شهری استانی پر نمود.

منابع

1. اکبری، مجید (1392)؛ نقش شهرهای میانی در توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: شهر بناب)، دکتر میرنجف موسوی و سید علی حسینی، رشت: دانشگاه پیام نور رشت.
2. امکچی، حمیده (1383)؛ شهرهای میانی و نقش آنها در چهارچوب توسعه ملی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، تهران.
3. حکمت‌نیا، حسن و میرنجف موسوی. (1390). کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، یزد: انتشارات علم نوین.
4. زبردست، اسفندیار، (1383)، اندازه شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی
5. زنگی آبادی، علی، حکمت‌نیا، حسن، موسوی، میرنجف (1386)؛ نقش شهرهای میانی در سازماندهی فضایی و منطقه‌ای استان آذربایجان شرقی، مجله اندیشه‌های جغرافیایی، شماره 1، انتشارات دانشگاه زنجان.
6. سرایی، محمدحسین، اسکندری ثانی (1380). نقش شهرهای کوچک در توسعه روستاها، مجله جغرافیا و توسعه، پژوهشکده علوم زمین، دانشگاه زاهدان، سال پنجم، شماره 10.
7. شکویی، حسین (1383). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران: انتشارات سمت.
8. شکویی، حسین، باقری، اشرف السادات (1375)، کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای، مورد نجف‌آباد و خمینی‌شهر، مجله مدرس، دانشگاه تربیت مدرس، شماره 8.
9. صرافی، مظفر (1379). مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
10. ضرابی، اصغر (1379). آینده شهرها: برنامه‌ریزی توسعه پایدار شهری، مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، دانشگاه تبریز.
11. عظیمی، ناصر (1381). پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری، تهران: نشر نیکا.
12. فنی، زهره (1382). شهرهای کوچک رویکردی در توسعه منطقه‌ای، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
13. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی ونفوس مسکن استان آذربایجان شرقی سالهای 65-1390.
14. نظریان، اصغر. (1379). جغرافیای شهری ایران، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
15. *Dauglass, M (1998); A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural Urban Linkages, TWPR.*
16. *Filho, O.B.A (1985); Middle City Size & Brazil's Territorial Planning in Yadav.*
17. *Kanzmn, C (1985); The Idea of Encouraging The Middle of Cities as Key in Determining a Successful Policy in Regional Planning , Translator by*
18. *Rondinelli and Ruddle, k ; Urban Function Rura Development an Analysis of Integrated Spatial Development, U.S.A.D. 1978.*
19. *Rondineli D.A (1985); Applied Methods of regional Analysis the Spatid Dimension of development policy, West View Press, Boulder.*
20. *Wheeler, James o, Muller, Peter o ; Economic Geography, John Wiley & Sons, Inc, Canada. (1986).*
21. *Weaver.C.M; Urban System theory and third World Development, Jurnal of Urban Affaire, vol.13. 1990.*